



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 15 Issue: 34
Spring 2024

Article Type: Research Article

Pages: 321-350

Comparative Assessment of Environmental Diplomacy Discourse and International Criminal Law in Preventing Environmental Crimes

Peyman Namamian¹| Sobhan Tayebi²

1. Assistant Professor, Arak University, Iran (Responsible Author)

p-namamian@araku.ac.ir

2. Assistant Professor, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Iran

sobhantayebi@yahoo.com

Abstract

Despite great advances in international environmental law and an increased understanding of endangered core values, the response to such catastrophes remains focused on non-criminal solutions. Threats from environmental hazards are rapidly evolving and it seems that within the framework of promotional tools, threats can be altered into opportunities during the commission of environmental crimes; Although there have been significant strategies such as organizational response like Interpol at the international level or specific regulations at the national level to curb environmental crimes, there is also a need for approaches, including environmental diplomacy as a tool can be effective. In fact, this structured tool can be very effective in coordinating government interactions in decision-making on tackling environmental crime. Of course, in the light of the documents of international criminal law, especially the Rome Statute, It is possible to consider the state and territory of the environment and the manners to protect it; However, international protection of the environment to prevent crimes against it, especially through criminal means, requires a global consensus on interactions and the establishment of environmental diplomacy on the global stage.

Keywords: *Environmental Crimes, National and International Approach, Prevention Opportunities, Environmental Diplomacy, Sustainable Development.*

Received: 2023/09/17 Received in revised form: 2023/12/11 Accepted: 2023/12/18 Published: 2024/03/30

DOI: 10.22034/LAW.2023.58484.3319

Publisher: University of Tabriz

Tabrizulaw@gmail.com



سنجش تطبیقی گفتمان دیپلماسی محیط زیست و حقوق بین الملل کیفری

در پیشگیری از ارتکاب جرایم محیط زیستی

پیمان نمایان^۱ | سبحان طیبی^۲

p-namamian@araku.ac.ir

۱. استادیار دانشگاه اراک، ایران (نویسنده مسئول)

sobhantayebi@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران

چکیده

علی‌رغم پیشرفت زیاد در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست و درک افزوده ارزش‌های بنیادی در معرض خطر، واکنش به چنین فجایی همچنان بر راهکارهای غیرکیفری متمرکز مانده است. این راستا، تهدیدهای ناشی از مخاطرات محیط زیستی به سرعت در حال پیشرفت است و به نظر می‌رسد در چارچوب ابزارهای پیش‌برنده بتوان تهدیدها را در جریان ارتکاب جرایم محیط زیستی به فرصت ممانعت تبدیل کرد. اگرچه راهبردهای قابل توجهی همچون واکنش سازمانی نظیر اینترپل در سطح بین‌المللی و یا مقررات خاص در سطوح ملی برای مهار جرایم محیط زیستی وجود داشته است، اما در کنار راهبردها، لزوم وجود رهیافت‌ها نیز احساس می‌شود که از جمله آن، دیپلماسی محیط زیست است که می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر عمل کند. در واقع، این ابزار ساختارمند می‌تواند در جهت هماهنگ‌سازی تعاملات دولت‌ها برای تصمیم‌سازی در خصوص مقابله با جرایم محیط زیستی بسیار اثربخش باشد. البته در پرتو اسناد حقوق بین‌الملل کیفری به‌ویژه اساسنامه رم، می‌توان وضعیت و قلمرو محیط زیست و نحوه حمایت از آن را مورد ملاحظه قرار داد؛ هرچند که حمایت بین‌المللی از محیط زیست برای پیشگیری از ارتکاب جرایم علیه آن، به‌ویژه با ابزارهای کیفری، نیازمند اجماع جهانی در تعاملات و ایجاد دیپلماسی محیط زیستی در عرصه جهانی است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، جرایم محیط زیستی، دیپلماسی محیط زیست، رویکرد ملی و بین‌المللی، فرصت‌های پیشگیری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۱۱

DOI: 10.22034/LAW.2023.58484.3319

Tabrizulaw@gmail.com

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

حقوق محیط زیست و منابع طبیعی به واسطه ارتباط تنگاتنگ با علوم و فناوری به طور عمیق تحت تأثیر آنها قرار گرفته و به همین علت درک مسائل آن مستلزم اطلاعات اولیه در محیط زیست است. در حقیقت، حقوق محیط زیست از یک سری نوآوری بدیع سود جسته، به همین سبب خود را ملزم به تطبیق با سازوکارهای نوین می‌داند. قوانین و مقررات نظارتی در زمینه حفظ محیط زیست و منابع طبیعی نیز به شکل دستورهای تکنیکی و در قالب یک سری استانداردهای خاص بیان می‌گردد. با توجه به مفهوم رایج و متداول محیط زیست که بیان‌کننده کلیه فعالیت‌ها و رابطه متقابل بین انواع موجودات زنده از جمله انسان با محیط پیرامونشان است، این نتیجه حاصل می‌شود که حقوق محیط زیست علاوه بر تحت پوشش قرار دادن تمام رشته‌های مختلف حقوق کلاسیک، شامل حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق بین‌الملل و آن بخش از حقوق را که سعی دارد مفهوم محیط زیست را در تمامی قسمت‌های حقوقی وارد کند، دربر می‌گیرد. به همین دلیل، حقوق کیفری محیط زیست جزئی یا کلی، شامل بخش‌های متعددی از مقرراتی می‌شود که یا بر ملاک‌ها و محک‌های تأسیس و یا بر محک‌های مادی و تعریف محیط زیست تأکید دارند.

امروزه مسائل محیط زیستی تبدیل به یک سری از موضوعات مهم مورد بحث شده که از زوایای مختلف همچون جنبه‌های جامعه‌شناختی^۱، بیولوژیکی^۲، محیط زیستی^۳، جرم‌شناختی^۴ و عدالت کیفری^۵ قابل بررسی است. در واقع، بررسی این ابعاد تلاشی برای جرم‌شناسی محیط زیست جهانی است که بر اساس آن، مطالعات جنایات سازمان‌یافته فراملی محیط زیستی انجام می‌شود. با این مطالعات، دست خواهیم یافت که «آسیب محیط زیستی فراملی، جرم است»^۶ و علاقه به بررسی جرم‌شناسی و نگاه جرم‌شناختی این مهم در اهداف دولت‌های سازگار با محیط زیست جهانی مبرهن است. البته این موضوع نایستی به

-
1. Sociological
 2. Biological
 3. Ecological
 4. Criminological
 5. Criminal Justice
 6. Transnational Environmental Harm's a Crime

صورت انتزاعی مورد بررسی قرار گیرد؛ چراکه مرز بین قانون و غیر قانون یک خط نازک است؛ به‌ویژه که این مسئله از منظر جهانی قابل بررسی است و استفاده از چارچوب جرم‌شناسی محیط زیست جهانی برای درک جرایم فراملی و زیان‌های محیط زیستی مؤثر است.^۷ جرم محیط زیستی، فراتر از مرزهای طبیعی و صلاحیت دادگاه‌ها، جغرافیا و هنجارهای اجتماعی است. بسیاری از آسیب‌های محیط زیستی در طبیعت فراملی است و به همین دلیل جرم محیط زیستی نیازمند جدیت در پیگیری است. پرسشی که اینجا مطرح می‌شود این است که «ابزارهای کاربردی برای پیشگیری و مهار جرایم محیط زیستی چه ساختاری دارد؟» فرضیه مفروض نگارندگان در مقاله این است که ضمن اشاره به اهمیت موضع جرایم محیط زیستی و ابعاد پیشگیری آن، به تبیین نقش دیپلماسی محیط زیست به‌عنوان ابزار مهارکننده ارتکاب به جرایم محیط زیستی می‌پردازند. به هر روی، پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با توجه به گردآوری مطالب و فیش‌برداری در پرتو مطالعات کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است.

اگرچه پژوهش حاضر نمونه مستقیم داخلی در چارچوب یک مقاله نگاشته ندارد، اما می‌توان پیشینه پژوهش حاضر را به نحوی مرتبط با موارد زیر دانست:

هیبت‌الله نژندی‌منش و همکارانش در مقاله خود با عنوان «تأملی در امکان‌سنجی اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جرایم زیست‌محیطی» اذعان می‌دارند که دیوان بین‌المللی کیفری تحت اساسنامه خود جرایم زیست‌محیطی را به صورت مستقیم مد نظر نداشته است، اما از آنجا که جنایت علیه بشریت این مهم را نیز شامل می‌شود، بایستی تفسیر موسعی از این موضوع داشت.^۸

نماینان و طبیعی در مقاله خود تحت عنوان «امکان‌سنجی صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی علیه حقوق نسل‌های آینده در اساسنامه رُم» بیان می‌دارند که اتخاذ سیاست جنایی متقن و مؤثر، راهبردی است که این امکان را در مقابله با ابعاد و اشکال متعدد و گوناگون

۷. الهام حیدرزاده و سجاد مظفری‌زاده، «پیشگیری از جرایم زیست محیطی»، اخلاق زیستی، ش ۷ (۱۳۹۲)، ص ۱۶۴.

۸. هیبت‌الله نژندی‌منش و همکاران، «تأملی در امکان‌سنجی اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جرایم زیست محیطی»، حقوق کیفری، ش ۲ (۱۳۹۹)، ص ۲۵۱.



جرایم ارتكابی علیه حقوق نسل‌های آینده فراهم می‌سازد. با توجه به قلمرو صلاحیت موضوعی مقرر در اساسنامه راجع به شناسایی جرایم بین‌المللی نظیر جرایم جنگی، جرایم ضد بشریت و حتی نسل‌کشی و انطباق‌پذیری آنها با مصادیق جرایم علیه نسل‌های آینده، می‌توان اذعان داشت که امکان رسیدگی به ارتكاب چنین جرایمی در چارچوب و قلمرو صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد.^۹

۱. مبانی نظری

۱.۱. فرایند جرم‌انگاری محیط زیستی؛ مبنا و معیار

رفاه جامعه بشری به‌طور ذاتی مرتبط با سازوکارهای مشخص ساختار دولت‌هاست. همان‌طور که در مجامع جهانی مختلف از جمله مجمع جهانی اقتصاد و یا نشست‌های جهانی توسعه پایدار، همواره سخن از خطرهای جهانی بوده، نگرانی از خطرهای جهانی محیط زیستی در سطح بالایی ارزیابی شده‌اند. این خطرها ناشی از بلایای طبیعی، نظیر طوفان‌های وابسته به جاذبه زمین و زلزله و تغییرات اقلیمی شدید و یا ناشی از بلایای ساخته دست بشر، همچون آلودگی‌های جبران‌ناپذیر و انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی است. این خطرهای بالقوه، بی‌ثبات کردن اقتصاد جوامع، جنگ ژئوپلیتیک و نابودی منابع حیاتی زمین و ساکنان آن را به‌همراه دارد. جرایم محیط زیستی و ارتباط آن با اشکال دیگری از جنایات سازمان‌یافته، تهدید جدی برای توسعه پایدار، صلح و امنیت به‌شمار می‌رود و به‌طور قطع، رفاه، امنیت و حقوق بشر را تضعیف می‌نماید.^{۱۰} علاوه بر بهره‌برداری بی‌رویه از محیط زیست طبیعی، جرایم محیط زیستی در پرتو تجارت غیرقانونی گونه‌های حفاظت‌شده، قاچاق مواد مخرب آزون، تجارت غیرقانونی پسماندهای خطرناک، ماهیگیری غیرقانونی و تجارت غیرقانونی چوب، چهره خود را نشان می‌دهد.^{۱۱} اگرچه این جرایم به‌شدت به محیط زیست

۹. پیمان نمایان و سبحان طیبی، «امکان‌سنجی صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی علیه حقوق نسل‌های آینده در اساسنامه رم»، پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس، ش ۲ (۱۴۰۰)، ص ۶۳.

۱۰. سبحان طیبی و عباس پورهایمی، «مقابله با اکوتورریسم جهانی در پرتو دیپلماسی بین‌المللی محیط زیست»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ش ۲ (۱۳۹۶)، ص ۲۸.

۱۱. راب وایت، جرایم علیه طبیعت جرم‌شناسی محیط‌زیست و عدالت زیست‌محیطی، ترجمه پیمان نمایان و سبحان طیبی، (تهران: مجله، چ ۱، ۱۳۹۴)، ص ۵۹.

لطمه وارد ساخته، اما چنین جرایمی اغلب با پاسخ سریع دولت‌ها مواجه نمی‌شود؛ چراکه اغلب دولت‌ها به مبارزه با جرایم محیط زیستی نه‌تنها به‌عنوان یک اولویت نگاه نکرده‌اند، بلکه در برخی موارد آن را نادیده می‌گیرند و به‌هیچ‌وجه به عواقب بالقوه و بالفعل آن توجه ندارند.

در واقع، این جرایم بر جامعه و طبیعت پیرامون آثار جبران‌ناپذیری داشته، به بنیان حیاتی انسانی و حیوانی و گیاهی صدمه وارد آورده و درد و رنج فراوانی به‌همراه داشته است.^{۱۲} بنابراین، جرایم یادشده ضمن تأثیر مستقیم مخرب بر محیط زیست، به مرور زمان تبدیل به جرایم سازمان‌یافته فراملی شده، زمینه‌ساز خشونت و فساد می‌شود. در همین راستا، دخالت گروه‌های مرتکب جرایم محیط زیستی در طبیعت بیشتر شده، گسترش می‌یابد. کسب منافع مالی چشمگیر و بهره‌برداری وسیع و ناصحیح از منابع طبیعی موجب شکل‌گیری جرایم محیط زیستی شده، در سطوح بالاتر و به‌مرور تبدیل به جنایت می‌گردد. این روند نشان می‌دهد که این جرایم در فرایند ارتکاب با جرایم دیگری همچون سرقت، تقلب، فساد، مواد مخدر، قاچاق انسان، جعل، قاچاق تسلیحات و پولشویی ارتباط پیدا می‌کند و پیوند می‌خورد.

اولین پیشنهادها برای درج جرایم علیه محیط زیست در اسناد حقوق بین‌الملل کیفری طی دهه ۱۹۷۰ در پاسخ به خسارات زیست‌محیطی عظیمی که ارتش ایالات متحده در طول جنگ ویتنام وارد کرد، ارائه شد.^{۱۳} «آسیب نامشروع و شدید به محیط زیست» به‌عنوان یک جنایت بزرگ علیه صلح و امنیت بشر، صرف نظر از ارتباط آن با یک درگیری مسلحانه (پیش‌نویس قانون جرایم)، تصریح می‌کند «هرکس عمداً موجب ورود صدمات و ضایعات گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست طبیعی گردد یا ایراد چنین صدماتی را دستور دهد، پس از ثبوت مجرمیت، (به ...) محکوم خواهد شد»؛ از این رو، این مسئله نه‌تنها

۱۲. محمدحسین رضائی قوام‌آبادی، «پیشگیری و سرکوب جرایم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران»، حقوقی دادگستری، ش ۷۵ (۱۳۹۰)، ص ۲۰۳.

13. R. A. Falk, 'Environmental Warfare and Ecocide, Facts, Appraisal, and Proposals', 4 Bulletin of Peace Proposals (1973) 1, 80, 93-96; N. Ruhashyankiko, Special Rapporteur, Study of the Question of the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, UN Doc E/CN.4/Sub.2/416, 4 July 1978, paras 462-478.

پیامدهای جدی را برای نسل‌های کنونی، بلکه برای نسل‌های آینده^{۱۴} نیز دربر خواهد داشت، و بایستی جدا از سایر جنایاتی که به دنبال نقض حقوق انسان‌ها هستند، رسیدگی شود. علی‌رغم بحث‌های طولانی و فشرده برای گنجاندن نقض جدی تعهدات زیست‌محیطی در قلمرو حقوق بین‌الملل کیفری، پیش‌نویس ماده ۲۶ تصویب نگردید و حفاظت از محیط زیست به‌عنوان ماده‌ای جداگانه در پیش‌نویس نهایی اساسنامه رُم گنجانده نشد. با این حال، شاخص‌های قوی وجود دارد مبنی بر اینکه اکثر دولت‌ها تحت تأثیر ملاحظات اقتصادی قرار گرفته‌اند تا به شمول آن اعتراض کنند^{۱۵}. در نتیجه، حقوق بین‌الملل کیفری در چارچوب خود یک رژیم انسان‌محور باقی می‌ماند و انسان را در مرکز حمایت خود قرار می‌دهد^{۱۶}.

دیوان بین‌المللی کیفری در اساسنامه خود به جرایم زیست‌محیطی صریحاً اشاره نکرده است، ولی در چارچوب مواد ۷ و ۸ می‌توان نقض تعهدات زیست‌محیطی را به‌عنوان جرایم بین‌المللی و جرم علیه بشریت یا جرایم جنگی در دیوان مطرح نمود. دیوان در ماده ۹ اساسنامه، محیط زیست را مورد توجه قرار داده، حمله عمدی را با علم به اینکه باعث آسیب

۱۴. حقوق نسل‌های آینده با مخاطراتی نظیر تروریسم، تهدیدهای هسته‌ای، رشد فزاینده جمعیت و مواد مخدر و حتی طی ماه‌های اخیر شیوع گسترده و هولناک بیماری کووید-۱۹ مواجه است که این امر خود گویای چالشی در قرن بیست و یکم برای چنین حقوقی است. از این رو، باید اذعان داشت که چالش‌های یادشده به‌عنوان بخش قابل ملاحظه‌ای از رفتارها و اقدام‌های مجرمانه در سطوح گوناگون ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی و بین‌المللی قابل ملاحظه است. وفق همین مراتب می‌توان ابراز داشت که نوعی از جرایم در قلمرو جامعه جهانی در حال بروز و ظهور است که امروز می‌توان به آنها «جرایم علیه حقوق نسل‌های آینده» اطلاق نمود. این دسته از جرایم را می‌توان اعمال و رفتاری توصیف و تعریف کرد که آثار مخربی بر بهداشت، سلامت و روش بقای هر گروه قابل تعریف یا جمعیت قابل شناسایی و همین‌طور محیط زندگی آنها که به آن نیز وابستگی معیشتی داشته و در مقیاس و بزرگی آن‌چنان است که باید به‌مثابه جرم بین‌المللی مورد شناسایی قرار داد. به‌علاوه، مفهوم جرایم علیه حقوق نسل‌های آینده تأکید دارد که تخلف فاحش از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و انحطاط عظیم محیط زیست همیشه نتیجه فقدان یا کمبود منابع یا عوامل ساختاری نیستند، بلکه در برخی موارد ماحصل رفتار آگاهانه و قابل‌نکوهش از جنبه اخلاقی هستند که باید به‌موجب حقوق بین‌الملل کیفری به مجازات برسند (پیمان‌نامه‌ی میان‌رشته‌ای و سبجان طبیعی، «امکان‌سنجی صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی علیه حقوق نسل‌های آینده در اساسنامه رُم»، پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس، ش ۲ (۱۴۰۰)، ص ۵۲).

15. Report of the ILC on the work of its 28th Session, UN Doc A/CN.4/SER.A/1976/Add.1 (Part 2), 3 May-23 July 1976, 95-96 (emphasis added).

16. S. Jodoin, 'Crimes Against Future Generations—A New Approach to Ending Impunity for Serious Violations of Economic, Social, and Cultural Rights and International Environmental Law', WFC & CISDL Legal Working Paper, Final Version, 15 August 2010, 13-14.

گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست خواهد شد، از مصادیق جنایات جنگی تلقی نموده است. لذا از منظر دیوان، آلودگی زیست‌محیطی زمانی قابلیت تعقیب کیفری دارد که گسترده، شدید و دارای آثار بلندمدت باشد^{۱۷}. همچنین جرایم علیه زیست‌بوم و اکوسایده در سیاق تفسیری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی دارای ماهیتی بازدارنده است و به نظر می‌رسد که بازنگری آینده اساسنامه دیوان شرایط متفاوت‌تری را رقم بزند.

بنابراین، چارچوب درحال ظهور جرایم سازمان‌یافته فراملی نیازمند تجزیه و تحلیل عمیق در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است و یک پاسخ جهانی مناسب برای پیشگیری و مبارزه با جرایم محیط زیستی لازم است. از این رو، جرایم محیط زیستی و تهدیدات ناشی از آن نیازمند ارزیابی هستند؛ چراکه سلامت بشری صلح و امنیت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این نیازها و ضرورت‌ها از آنجا ناشی می‌شود که ما با خلأهای فراوانی روبه‌رو هستیم:



۱۷. محمدآکر اردکانی و علیرضا آرش‌پور، «بررسی اصل بنیادین بازدارندگی در حقوق بین‌الملل زیست محیطی»، علوم تکنولوژی محیط زیست، ش ۱۲ (۱۴۰۰)، ص ۵۸.

از این رو، این عوامل ما را به سمت و سوی جدی انگاشتن جرایم محیط زیستی سوق می‌دهد.^{۱۸} این مهم را می‌توان در اقدام سال ۲۰۱۲ شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد در تصویب قطعنامه ۲۰۱۲/۱۹ تحت عنوان «تقویت همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی در تمامی اشکال و مظاهر آن» مشاهده نمود. در همین راستا در بند ۱۲ این قطعنامه از دولت‌ها خواسته شده است تا در پژوهشگاه عدالت جنایی زیر نظر سازمان ملل متحد به بررسی اشکال مختلف جرایم محیط زیستی بپردازند. با این وصف، توسعه بررسی جرایم محیط زیستی در دستور کار جهانی قرار گرفت و این مسئله با فوریت و جدیت دنبال گردید. در این راستا، اقدامات مؤثری انجام پذیرفت که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

الف) نشست کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳ با تمرکز بر موضوع چالش‌های ناشی از ظهور جرایم محیط زیستی و آثار قابل توجه آن بر محیط زیست و سازوکارهای مقابله با آن.

ب) اقدامات تحقیقاتی و پژوهشی زیر نظر مؤسسه تحقیقات جنایی و عدالت بین منطقه‌ای سازمان ملل متحد^{۱۹} از سال ۱۹۹۱ با تمرکز بر قوانین کیفری محیط زیستی.

ج) اقدامات تحقیقاتی زیر نظر مؤسسه تحقیقات جنایی و عدالت بین منطقه‌ای سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۷، با تمرکز بر راهبرد تحریم و توسعه پایدار، ارزیابی قوانین کیفری و اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی محیط زیستی.

د) انجام پژوهش‌هایی در حوزه جرم و جنایات محیط زیستی از سوی مؤسسه عدالت و جرایم محیط زیستی در سال ۲۰۰۹، با تمرکز بر طراحی یک برنامه گسترده در خصوص بررسی جرایم محیط زیستی.

ه) انجام پژوهش‌هایی با تمرکز بر افزایش آگاهی از جرایم محیط زیستی به منظور درک این جرایم در سال ۲۰۱۲.

۱۸. احمد نصرصفهانی و همکاران، «جرم‌انگاری بین‌المللی زیست بوم‌زدایی»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۲ (۱۳۹۹)، ص ۲۷۶.
19. United Nations Interregional Crime and Justice Research Institute

در همین راستا، مؤسسه جرم‌انگاری بین‌المللی گزارش‌های بین‌المللی و اطلاعات آماری تحقیقاتی خود را در خصوص مبارزه با قاچاق غیرقانونی پسماندهای خطرناک و الکترونیکی ارائه نمود.

درحالی که حقوق بین‌الملل کیفری به‌طور قطع تنها ابزار اصلی برای دستیابی به حفاظت بهتر از محیط زیست نیست، حداقل می‌تواند به یک چارچوب منسجم‌تر حمایت در همزیستی با سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل کمک کند. دلایل متعددی برای حفاظت مناسب از محیط زیست برای توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل کیفری وجود دارد، ولی هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای رویکرد متمایز در حقوق کیفری بین‌المللی به آسیب‌های زیست‌محیطی در زمان جنگ یا صلح وجود ندارد.

۲.۱. سازوکارهای و همکاری‌های بین‌المللی

در راستای بهبود اجرای همکاری و اراده سیاسی برای پیشگیری از تهدیدات درحال رشد ناشی از جرایم محیط زیستی، دولت‌های عضو و سازمان‌های محیط زیستی و همچنین جامعه مدنی نقش مهمی در پرداختن به چالش‌های جرایم زیست‌محیطی دارند. در این راستا، باید چارچوبی استاندارد را تعیین کنیم. وقتی جرم محیط زیستی را در سطح بین‌المللی تعریف می‌کنیم، درواقع به قربانیان جرایم محیط زیستی، حمایت از حقوق بشر و بهداشت عمومی توجه نشان داده‌ایم.^{۲۰} این مهم زمینه‌ساز تقویت اثربخشی چارچوب قواعد بین‌المللی از طریق استفاده از ابزارهای موجود و تنظیم آن مطابق با نیازهای اساسی در جهت مقابله با جرایم محیط زیستی است. قطع به یقین، این روند، نیازمند تحقیق و تجزیه و تحلیل چارچوب‌های قانونی موجود و ارائه بهترین شیوه‌ها برای مقابله با جرایم محیط زیستی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور تحکیم همکاری‌های گسترده است. در این راستا ضرورت دارد تا ابعاد توسعه‌ای سازوکارهای مقابله با جرایم محیط زیستی محرز گردد. از این رو، به‌نظر می‌رسد اقدام به امکان‌سنجی یک کنوانسیون بین‌المللی در خصوص

۲۰. مهدی صبوری‌پور و اصغر احمدی، «جرایم محیط زیستی ناشی از کووید-۱۹: جلوه‌ها و کاستی‌ها»، تحقیقات حقوقی، ش ۸۹ (۱۳۹۹)، ص ۳۰۳.

جرایم محیط زیستی تحت نظارت سازمان ملل متحد مؤثر باشد و نظارت و پیاده‌سازی سازوکارهای موجود در کنوانسیون‌های فعال و مرتبط تقویت گردد. لازم است از قوانین کیفری و همچنین قوانین خاص و مصوبات مربوط به محیط زیست در سطح ملی حمایت شود و به‌منظور بهره‌مندی از آن در راستای بهبود، انطباق و اجرای چارچوب قانونی محیط زیستی، دولت‌ها را تشویق به اجرای آن نمود. ضرورت دارد در جهت تقویت قوانین شفاف، مؤثر و بازدارنده در خصوص جرایم محیط زیستی و پرداختن به جرایم سازمان‌یافته زیست‌محیطی در حال ظهور تلاش نمود. تقویت ساختار قضایی کارآمد و کارآتر در سطوح ملی و بین‌المللی جهت اجرای ضمانت‌های مؤثر قانونی می‌تواند زمینه‌ساز پیشگیری اثربخش از تهدیدهای جرایم محیط زیستی باشد.^{۲۱}

به هر ترتیب با اقدامات مرقوم، شناسایی ارتکاب به جرایم محیط زیستی در سطوح ملی و بین‌المللی میسر شده، باعث می‌شود که بی‌نظمی‌های ناشی از وقوع این جرایم در سطوح مختلف کنترل گردد. بنابراین، بررسی بهترین عملکرد در خصوص مسائل پیش رو در پرتو فرایندهای قانونی و تصمیمات قضایی مد نظر است. در این راستا و در جهت تضمین اجرا و بهبود وضعیت مقابله با جرایم محیط زیستی، به‌نظر می‌رسد بایستی موارد زیر را مدنظر قرار داد:

(الف) تحریم‌های قانونی و مجازات‌های کیفری، مدنی و اداری با توجه به ماهیت جرایم و موقعیت خاص آنها، یک راه‌حل خوب و طرحی مؤثر برای جبران است.

(ب) ایجاد مسئولیت کیفری اجباری برای شرکت‌ها و کارخانه‌ها ضروری است.

(ج) آموزش و مشارکت بخش دولتی و خصوصی در جهت پیشگیری از جرایم محیط زیستی و به‌کار بردن قواعد نرم و سخت با عنایت به سطوح جرایم، بسیار پراهمیت است.

(د) ایجاد ظرفیت‌هایی برای اجرای قانون و نگاه تخصصی به آن، به‌ویژه از طریق مجاری رسمی همچون قوه قضاییه و با هدف ایجاد و تقویت دادگاه‌های ویژه جرایم محیط زیستی، از اهم مسائل است.

۲۱. اسماعیل کشکولیان و همکاران «جرایم زیست‌محیطی و راه‌کارهای پیشگیری از آن»، اخلاق زیستی، ش ۳۲ (۱۳۹۸)، ص ۱۰۶.

ه) تقویت نقش کارشناسان و متخصصان حوزه‌های مختلف محیط زیست در دادگاه‌ها لازم است.^{۲۲}

به هر حال، با توجه به نکات بیان شده، اجرای تحریم‌های قانونی و در نظر گرفتن ملاحظات حقوقی در تصمیم‌گیری‌های قضایی با امان نظر به ماهیت و گستره جرایم محیط زیستی و نگاه جدی قضات در رسیدگی‌های قضایی مربوطه ضرورت دارد.

۳.۱. جرایم محیط زیستی و امکان سنجی نقض حقوق بشر

۱.۳.۱. شناسایی ابزارهای ساختاری

امروزه چارچوب‌های حقوقی موجود تا حد زیادی اجازه می‌دهد تا جرایم محیط زیستی بدون پیگرد قانونی باشد. در این راه مهم‌ترین مسئله برای حفاظت از محیط زیست، اجرای قوانین کیفری است و به نظر می‌رسد این، بهترین و مناسب‌ترین راه و پاسخ به تهدیدات جدی و جرایم محیط زیستی است. علاوه بر حفاظت از محیط زیست از طریق قوانین کیفری، بایستی قوانین بین‌المللی کیفری نیز فعال باشد و این امر می‌تواند نقش بسیار مهمی در مبارزه با جرایم محیط زیستی و مجرمان محیط زیستی کشورها داشته باشد و هرکجا حقوق بشر نقض شده باشد یک ضمانت اجرای قوی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. در این راستا بایستی به سه نکته توجه داشت:

الف) حقوق بین‌الملل و تصویب مقررات و در نظر گرفتن مجازات جرایم محیط زیستی و توجه به معاهدات بین‌المللی محیط زیستی؛

ب) مدنظر قرار دادن جرایم محیط زیستی به عنوان جرم مستقل و اجماع بین‌المللی در این خصوص؛

ج) حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر دارای پیوندی ناگسستنی هستند، چراکه جرایم محیط زیستی همواره نقض گسترده حقوق بشر را در پی دارد؛ به همین دلیل حفاظت از

۲۲. کنت مک کالیون، «اجرای عدالت درباره محیط زیست بین‌المللی حقوق و راه‌حل‌ها»، ترجمه محمدحسین زاهدین لباف، حقوقی بین‌المللی، ش ۳۱ (۱۳۸۳)، ص ۱۸۹.

محیط زیست به شرط حمایت مؤثر از حقوق بشر، لازم و ضروری است.^{۲۳}

بنابراین، ابزارهای قانونی بین‌المللی و سازوکارهای اختصاص داده شده برای حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر در برابر حملات گسترده در اثر جرایم محیط زیستی بایستی مورد استفاده قرار گیرد. معاهدات بین‌المللی ممنوعیت‌های روشنی برای حفاظت از محیط زیست در خود جای داده است، اما کافی نیست. از جمله این معاهدات می‌توان به کنوانسیون بازل^{۲۴}، کنوانسیون سائیتس^{۲۵} و کنوانسیون مارپل^{۲۶} اشاره کرد. به نظر می‌رسد چارچوب این کنوانسیون‌ها بایستی بازنگری و اصلاح گردد تا دولت‌ها بتوانند ضمانت اجراهای مندرج در کنوانسیون را که شامل محدودیت و ممنوعیت‌ها نیز می‌شود در چارچوب قوانین کیفری خود با هدف ممانعت از جرایم محیط زیستی لحاظ نمایند.

ابزار دیگر برای تصویب قوانین بین‌المللی سازگار با محیط زیست، مبارزه با جنایات سازمان‌یافته ناشی از ادغام چندساختاری است.^{۲۷} برای نمونه، اقدام سازمان‌یافته و در چارچوب قانونی محکم در اتحادیه اروپا برای مقابله با جرایم محیط زیستی و نمونه دیگر، سازوکار جبران خسارت تحت قانون مدنی و مجموعه مصوبات و رهنمودهای کمیسیون‌های تخصصی در اتحادیه اروپا نظیر کمیسیون تخصصی محیط زیست است.

ابزار دیگر، توجه به مسئولیت شرکت‌های چندملیتی در خصوص جرایم محیط زیستی است. در واقع، اصل مسئولیت اشخاص حقوقی را بایستی جدی گرفت؛ بنابراین، بازبینی معاهدات بین‌المللی و جلب توجه دولت‌ها به بهره‌مندی از محتوای قانونی این معاهدات جهت استفاده در قوانین داخلی در خصوص کیفری تلقی کردن جرایم محیط زیستی بسیار مهم است.

۲۳. مریم جام‌بزرگ و همکاران، «مؤلفه‌ها و چالش‌های تدوین شاخص‌های جرم زیست‌محیطی تحت عنوان جرم بین‌المللی»، علوم تکنولوژی محیط زیست، ش ۴ (۱۳۹۸)، ص ۲۶۳.

24. BASEL Convention
25. CITES Convention
26. MARPOL Convention

۲۷. عسگر جلالیان و همکاران، «چالش‌های حقوق کیفری بین‌المللی در مبارزه با جرایم زیست‌محیطی»، مطالعات بین‌المللی پلیس، ش ۳۳ (۱۳۹۷)، ص ۱۵.

۲.۳.۱. شناخت علل حمایت بین‌المللی از محیط زیست در حقوق بین‌المللی کیفری

آنچه ذهن را به طرح پرسشی متبادر می‌سازد، این است که چرا باید حمایت از محیط زیست به واسطه اسناد حقوق بین‌المللی کیفری صورت پذیرد؛ اگرچه سنجش جامع از اثربخشی حقوق بین‌الملل کیفری در این زمینه فراتر از گستره مطالعات پژوهشی است. وفق همین امر، رهیافت‌های زیر قابل ملاحظه است:

الف) اثر بازدارنده حقوق کیفری دلیلی حیاتی برای تعقیب کیفری رفتاری است که به‌طور قابل توجهی به محیط زیست آسیب می‌زند. مجازات‌های کیفری برای پیشگیری از رفتارهای نامتعارف از نظر محیط زیستی مؤثرتر از اصلاح مجازات‌های مدنی و اداری هستند. تعقیب کیفری محیط زیستی می‌تواند چنین اثر بازدارنده امیدوارکننده‌ای در مواردی داشته باشد که آسیب محیط زیستی ناشی از ارزیابی هزینه-فایده باشد و تا زمانی که احتمال کافی تعقیب کیفری و تحریم‌های قوی و قابل اجرا وجود داشته باشد، درج جرایم جدید علیه محیط زیست در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری موجه است.

ب) یک رویکرد جهانی هماهنگ و نهادینه‌شده برای تعقیب جرایم زیست‌محیطی، در مقایسه با یک سیستم تکه‌تکه‌ای که چنین تعقیب قضایی را در سطح داخلی اداره می‌کند، آثار مثبت‌حداقلی خواهد داشت. در واقع، تعقیب کیفری می‌تواند دولت‌ها را تشویق کند که قوانین داخلی خود را با تعهدات محیط زیستی انطباق دهند.

با این حال، سایر استدلال‌ها به این پرسش می‌پردازند که چه مسئله‌ای یک جرم کیفری را به یک جنایت بین‌المللی تبدیل می‌کند. در مقدمه اساسنامه^۲ تصریح شده که این قانون برای مقابله با «... [جنایاتی است که عمیقاً وجدان بشریت را شوکه می‌کند] و «جرایم سنگین [که] صلح، امنیت و رفاه جهان را تهدید می‌کند». برای مثال، رفتار ناقض باید معیارهایی را داشته باشد تا به‌عنوان یک جرم بین‌المللی واجد شرایط باشد؛ بنابراین، برای رسیدن به یک حد معین باید آثار مخربی بر پایه‌های جامعه بشری داشته باشد. اگر جرمی این معیارها را برآورده کند، چنان نگرانی جهانی دارد که می‌تواند مشمول تعقیب کیفری بین‌المللی شود. تخریب محیط زیست می‌تواند آثار دهشتناکی بر رفاه جامعه بشری کنونی و

آینده داشته باشد^{۲۸}. درحالی که این ممکن است در مورد همه جرایم زیست‌محیطی صادق نباشد، قطعاً مواردی وجود دارد که در آنها تأثیرات مشابه است. این امر به‌ویژه در خصوص مواردی که تخریب محیط زیست به وضعیت غیرقابل برگشت می‌رسد و آثار منفی جدی بلندمدتی بر نسل‌های آینده دارد صادق است. این موارد به این ترتیب، منافع عمومی کل جامعه بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳.۳.۱. طراحی نوظهور الگوی شناسایی جرایم محیط زیستی

علاوه بر توسعه قوانین در سطح بین‌المللی، و کیفی تلقی نمودن جرایم محیط زیستی در سطح ملی، بایستی چارچوب قوانین بین‌المللی ظرفیت شناسایی جرایم نوظهور محیط زیستی را برای مقابله با آن داشته باشد. قطع به یقین، زمان آن فرا رسیده است تا یک چارچوب مستقل قانونی را برای جرایم محیط زیستی در نظر بگیریم؛ چراکه به برخی از جرایم محیط زیستی به دلیل به‌همراه داشتن پیامدهای سنگین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باید توجه ویژه‌ای نشان داد^{۲۹}. بنابراین، فرایند به‌رسمیت شناختن جرایم محیط زیستی در حقوق بین‌الملل ضرورتی انکارناپذیر بوده، لازم است برای تحقق این مسئله یک اجماع جهانی حاصل شود. به‌نظر می‌رسد تا به حال تمام تلاش‌ها برای تحکیم مفهوم بین‌المللی جرایم محیط زیستی با ناکامی روبه‌رو بوده است^{۳۰}. با این وصف، می‌توان از تجربیات گذشته استفاده نمود تا بتوان زمینه‌ای برای تحکیم این مفهوم در سطح جهانی فراهم ساخت؛ چراکه در حال حاضر جرایم محیط زیستی چهره‌های متعددی از خود نشان داده و مقابله با آن نیازمند تدبیر است.

در واقع، جرایم محیط زیستی نقض جدی تعهدات بین‌المللی و خدشه‌دار ساختن امنیت انسانی و محیط زیست انسانی را در پی دارد^{۳۱}. اگرچه این مهم در طرح کمیسیون حقوق

28. UN Secretary-General, Climate Change and its Possible Security Implications, UN Doc A/64/350, 11 September 2009.

29 White, Rob, Environmental Crime, (Elgar Publication, 2020), p. 657.

۳۰. عباس پوره‌اشمی و همکاران، «جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی؛ چالش‌ها، هنجارها و راهبردها»، علوم تکنولوژی محیط زیست، ش ۱ (۱۳۹۴)، ص ۱۷۴.

۳۱. عسگر جلالیان، «امکان‌سنجی توسعه مفهوم جرایم بین‌المللی به جرایم محیط زیستی با تأکید بر اصل توسعه پایدار»، آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ش ۲ (۱۳۹۹)، ص ۱۲۷.

بین‌الملل گنجانده شد و ماده ۱۹ این طرح به‌وضوح این مسئله را تبیین می‌نمود، اما در طرح بازنگری، این ماده حذف گردید. به‌نظر می‌رسد در زمان حذف این ماده هنوز جامعه بین‌الملل اهمیت خطرهای ناشی از جرایم محیط زیستی را درک نکرده بودند و یا دولت‌ها وجود چنین ماده‌ای را در طرح مسئولیت بین‌المللی، چالشی و تنش‌زا می‌پنداشتند. این انتظار وجود داشت که نه‌تنها در ماده ۱۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها حذف نشود، بلکه در صورت شدت جرایم محیط زیستی، علاوه بر برانگیخته شدن مسئولیت کیفری، شورای امنیت ضمانت محکمی برای اجرای آن باشد. اما این مسئله نادیده گرفته شد و به‌عنوان یک ضرورت بین‌المللی تلقی نگردید.^{۳۲}

علاوه بر این، تلاش‌های دیگری نیز در خصوص جنایات علیه صلح و امنیت بشر در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد صورت پذیرفت و یک پیش‌نویس هم برای این مهم تهیه و جرایم محیط زیستی در آن درج گردید، اما نتیجه‌ای دربر نداشت. تلاش دیگر در خصوص اصلاح اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری که قرار بود جرایم محیط زیستی نیز در لیست جنایات بین‌المللی قرار گیرد که این اقدام نیز تاکنون به نتیجه نرسیده است. البته برخی تلاش‌ها را می‌توان در چارچوب کنوانسیون‌های مشاهده نمود؛ مثلاً در کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی آن در سال ۱۹۷۷ در خصوص حقوق بشردوستانه، بر حفظ و حرمت محیط زیست در زمان جنگ تأکید شده است. بنابراین، باید گفتگو در خصوص جرایم محیط زیستی از سر گرفته شود و سازمان ملل متحد نقشی به‌غایت مهم را در این خصوص ایفا نماید.

شایان ذکر است، مطابق پیش‌نویس پیشنهادی اولیه قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری، در ماده ۲۶ پیش‌نویس، درخواست‌های متعددی برای درج یک جرم بین‌المللی علیه محیط زیست وجود داشته است. پنجمین جنایت اصلی، یعنی «اکوسید»، کانون توجه اخیر بوده است.

۳۲. سجاد طیبی، «مسئولیت کیفری دولت‌ها در قبال جرایم محیط زیستی در پرتو همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی»، تمدن حقوقی، ش ۹ (۱۴۰۰)، ص ۱۲۸.

۴.۳.۱. اهمیت حفاظت از حقوق محیط زیست بشر

به رسمیت شناختن جرایم محیط زیستی در سطح بین‌المللی با ضمانت اجرای مشخص، یک چشم‌انداز در حال تحقق محسوب می‌شود. قاضی ویرامانتری^{۳۳} در نظر خود در پرونده مجارستان و اسلواکی معروف به «گابچیکوناگیماروس» بیان می‌دارد که «حفاظت از محیط زیست بخش مهمی از آموزه حقوق بشر معاصر است. چراکه حق سلامت و حق زندگی از جمله موارد لازم حقوق بشر است. آسیب‌های محیط زیستی علاوه بر خدشه‌دار کردن، موجب تضعیف حقوق بشر می‌شود و راجع به این مسئله در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد مرتبط سخن گفته شده است. درحالی که تمام ملت‌ها و دولت‌ها حق بهره‌مندی و توسعه پروژه‌ها را دارند، به همین نسبت بایستی چارچوب حفاظت از محیط زیست را حفظ کنند»^{۳۴}.

با این توصیف، باید به این مسئله اشاره کنیم که آسیب‌های محیط زیستی در ابعاد کوچک، گاه در اثر بی‌توجهی به ابعاد بزرگ‌تر تبدیل می‌شوند و حقوق بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بیان این مسئله به آن معنا نیست که جامعه جهانی نسبت به موضوع جرایم و آسیب‌های محیط زیستی بی‌توجه است، اما دغدغه آن هنوز عام‌الشمول و جهان‌شمول نشده است. ما نمی‌توانیم کتمان کنیم که بسیاری از اسناد بین‌المللی به صورت تخصصی در خدمت محیط زیست و راجع به حفاظت از آن است و برخی از این اسناد جزء قواعد آمره محسوب می‌شوند و تخطی از آن مسئولیت را به‌همراه خواهد داشت. در حال حاضر بزرگ‌ترین اجلاس‌های جهانی راجع به محیط زیست و توسعه پایدار است و این جای بسی مسرت است که دولت‌های حوزه شمال و جنوب دغدغه‌مند هستند، اما این به آن معنا نیست که بگوییم دیگر نقض حقوق بشر رخ نمی‌دهد و حق بر محیط زیست سالم کاملاً رعایت می‌شود. لازم است جامعه جهانی تعهدات مشترک بین‌المللی^{۳۵} را به رسمیت بشناسد؛ نباید قواعد آمره^{۳۶} را نقض کند و بهره‌مندی منصفانه از محیط زیست سالم را دستاویز خشونت‌ها

33. Weeramantry

۳۴. سبحان طیبی، دیپلماسی محیط زیست و تأثیر آن بر تعاملات بین‌المللی و صلح جهانی، (تهران: خرسندی، ج ۱، ۱۳۹۶)، ص

35. ERGA OMNES

36. JUS COGENSE

و جرایم محیط زیستی قرار دهد. ضرورت دیگر، تحت تعقیب و پیگرد قرار دادن جرایم محیط زیستی بین‌المللی است که بایستی انجام پذیرد تا این مهم بتواند مانع و رادع بر نقض گسترده حقوق بشر و محیط زیست بوده، ضمانتی برای حفظ زندگی بشر و ارزش‌های بنیادین بشری و از همه مهم‌تر، حفاظت بی‌چون و چرای محیط زیست باشد.

۲. یافته‌های پژوهش

۱.۲. مقابله با قاچاق غیرقانونی پسماند، به‌عنوان یک ضرورت بین‌المللی

تشدید معاملات غیرقانونی ضایعات و ارتباط این جرم با جنایات سازمان‌یافته فراملی تأثیرات منفی برای محیط زیست در پی خواهد داشت؛ سلامت شهروندان را به‌خطر می‌اندازد و خسارات اقتصادی و اجتماعی جدی به‌بار می‌آورد. از این رو، افزایش آگاهی در این خصوص جهت اقدامات مؤثر برای مقابله بسیار مهم است. در این راستا باید قوانین مربوطه تقویت گردد تا هریک از تهدیدها به نوبه خود تبدیل به فرصت شود. بنابراین، برای مقابله با این مسئله، پرداختن به مسائل زیر ضروری است.

۱.۱.۲. طرح مشکل و شناخت آن

یکی از مواردی که می‌تواند تهدیدهای محیط زیستی را پوشش دهد، طرح مسئله و جستجوی زیربنایی مشکلات سبب‌ساز به‌وجودآورنده این تهدیدها است. از این رو، هدف، پشتیبانی از توسعه آگاهی در خصوص اقدامات هدفمند سازمان‌های مجری قانون و نهادهای ملی مربوطه و به‌طور کلی افکار عمومی و نیز ایجاد سازوکار جمع‌آوری اطلاعات جرم‌شناختی در باب قاچاق پسماند است. در این راستا با عنایت به بالا بردن سطح آگاهی در این خصوص، چه از طریق خشکی و چه از طریق دریا، بایستی در جهت افزایش آگاهی نسبت به جرایم سازمان‌یافته فرامرزی، نسبت به موضوع و ارتباط آن با فساد و نیز شناخت مسئولیت دولت‌های صادرکننده در مقابل دولت‌های دریافت‌کننده تلاش نمود^{۳۷}.

37. Mark Hamilton, Restorative Justice Intervention in an Aboriginal Cultural Heritage Protection Context: Chief Executive, Office of Environment and Heritage v Clarence Valley Council. *Environmental and Planning Law Journal*, 2019, 36 (3). Recoverable: <https://www.researchgate.net/publication/292882356>, 201.

۲.۱.۲. پژوهش‌های ملی و بین‌المللی اثرگذار

نکته دیگر، تحقیق و بررسی مسائل در سطح داخلی با عنایت به توان ملی است. در این راستا، اتخاذ رویکرد چندسازمانی متشکل از پلیس، مقامات دریایی، سازمان حفاظت محیط زیست، گمرک و همچنین کارگروه‌های ویژه سازمان بازرسی در خصوص جرایم محیط زیستی مد نظر است. به نظر می‌رسد ضرورت‌هایی وجود دارد که باید نسبت به آنها اقدامات لازم انجام گیرد؛ از جمله این اقدامات می‌توان به اتخاذ روش‌های مؤثر برای پیشگیری از قاچاق و نحوه برخورد با قاچاقچیان، شناخت مسئولیت اقتصادی از منظر کیفری و مدنی در خصوص صادرات از سوی تولیدکنندگان، شناخت خریدار و فروشنده، تبیین نقش دادستان، پشتیبانی از خدمات تخصصی قضایی و ارتقای ابزار نظارتی الکترونیکی اشاره نمود.^{۳۸}

نکته بعدی، مسئله بحث و بررسی و تدقیق موارد مطروحه در سطح بین‌المللی با توجه به ظرفیت‌ها و ساختارهای موجود است. از این رو، به نظر می‌رسد می‌بایست ارتقای سطح تبادل اطلاعات به صورت منظم، توسعه بهره‌مندی از شیوه‌های تحقیقی خاص (پیش‌بینی شده در کنوانسیون پالمو)، ایجاد یک مرکز جهت رصد قاچاق پسماند را مدنظر قرار داد.^{۳۹} در این راستا ضرورت دارد تا از شناخت نقش مهم سازمان‌های بین‌المللی، مانند سازمان جهانی گمرک، سازمان‌های دریایی، یوروپل، اینترپل، یوروجاست و مؤسسه تحقیقات جنایی و عدالت بین منطقه‌ای سازمان ملل متحد و نیز اهمیت ارتباط با اینترپل غافل نشویم.

۳.۱.۲. مقررات کیفری شفاف، مؤثر و بازدارنده

یکی از نکات بسیار مهم در خصوص مهار بازدارنده جرایم محیط زیستی، وجود و لزوم قوانین کیفری اثربخش و کافی است. شاید بتوان اذعان داشت که این مهم از جمله بهترین ضمانت اجراهاست که می‌تواند زمینه مقابله با هرگونه ارتکاب را فراهم سازد. در این راستا،

38. Michael J. Lynch. & Stephen F. Pires, Quantitative Studies in Green and Conservation Criminology: The Measurement of Environmental Harm and Crime, Routledge Publication, 2019, p. 117.

39. Serena Favarin, & Alberto Aziani, The Global Waste Trafficking and Its Correlates, Journal of Contemporary Criminal Justice, 2020, Vol 36, Issue 3, Recoverable: <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1043986220939701>, p. 357.

ضروری است که تصویب مقررات واضح و قابل فهم و هماهنگ در سطح ملی در دستور کار باشد؛ چراکه در این صورت، نمود آن در سطح بین‌المللی قابل مشاهده است. در این راستا باید به شناخت نیاز به قوانین بین‌المللی به‌عنوان یک ابزار قوی‌تر توجه کرد. از این رو، بالا بردن سطح آگاهی و ایجاد ظرفیت در قوه قضاییه برای افزایش کارایی و کارآمدی یک الزام واقعی است و در ورای این مهم بایستی از تلاش‌های جرم‌شناختی و مسئولیت کیفری اجباری شرکت‌ها و کارخانه‌ها حمایت نمود. از سوی دیگر، درجه‌بندی واضح از جرایم کیفری و مدنی و همچنین تخلفات اداری و تشدید مجازات در این دسته جرایم، افزایش تحریم‌ها و مجازات‌های قانونی مربوط به قاچاق غیرقانونی پسماند و شناخت مسئولیت قانونی تولیدکننده و مدیریت‌کننده پسماند می‌تواند کمک‌کننده باشد.^{۴۰}

۴.۱.۲. نهادهای اجراکننده در چارچوب موازین قانونی و قضات آموزش‌دیده

نکته دیگر، اشاره به بدنه قضایی و سازوکار اجرایی است که در این میان ضرورت دارد بر افزایش دانش تخصصی در محاکم قضایی تمرکز شود، طرح‌های مطالعاتی و آگاهی از روش‌های مناسب پژوهشی مدنظر قرار گیرد، همکاری‌های متقابل نهادهای مجری موازین قانونی با سازمان حفاظت محیط زیست تقویت گردد، و درنهایت واکنش مجریان موازین قانونی نسبت به جرم دارای اهمیت است.^{۴۱}

۵.۱.۲. جایگزینی تهدیدها به فرصت‌ها

نکته پایانی، بهره‌مندی از شرایط پیش رو در چارچوب تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها است. از جمله این فرصت‌سازی‌ها می‌توان به اولویت دادن حفاظت از محیط زیست از سوی دولت‌ها و درجریان قرار دادن سازمان‌های مجری قانون؛ فعال شدن دولت‌های واردکننده در پیشگیری از قاچاق مواد زائد و پسماند؛ دسترسی به کارگزاران این حوزه فعالیت و صدور گواهینامه برای عاملان این بخش در خصوص مدیریت و صادرات؛ فراهم ساختن امکانات

40. Janssen Kess & Dunois Milous, *Global Pesticides Governance by Disclosure: Prior Informed and the Rotterdam Convention*. Authors' Version of Chapter 5, Forthcoming in: Marti Gupta and Michael Mason, ed, *Transparency in Global Environmental Governance: Critical Perspectives*. Cambridge, MA, MIT Press, 2014, p. 235.

41. Mark Hamilton, *Environmental Crime and Restorative Justice: Justice as Meaningful Involvement*, Palgrave Macmillan, 2021, p. 186.

بازیافت؛ معرفی کارآفرینان قانونی؛ متوقف ساختن روند غیرقانونی بازار؛ حرکت در جهت تعامل جامعه، اقتصاد و محیط زیست؛ و توجه به اقتصاد سبز در آموزش، بسترهای قانونی و اخلاق اشاره کرد.^{۴۲}

۲.۲. توسعه تجارت و جرایم سازمان یافته محیط زیستی

توسعه تجارت، زمینه فساد در شکل گیری جرایم سازمان یافته محیط زیستی در تمام سطوح را فراهم می‌سازد. مبارزه با این جرایم باید در اولویت دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی باشد. در همین راستا، مبارزه با فساد در خصوص جرایم محیط زیستی نیازمند یک مسئولیت جمعی و رسیدگی فوری است. دولت‌های ملی باید ابتکارات فردی و جمعی را برای حفاظت از اکوسیستم مشترک در مقابل جرایم محیط زیستی به کار بندند.^{۴۳} در این راستا، افزایش آگاهی در سطوح ملی و بین‌المللی موجب بهبود اجرای همکاری‌ها برای پیشگیری از تهدیدات در حال رشد ناشی از نفوذ فزاینده گروه‌های جرایم سازمان یافته می‌شود.^{۴۴} بنابراین در جهت تحقق این منویات، دولت‌های عضو، سازمان‌های ملی و بین‌المللی مرتبط و سازمان‌های اجرایی محیط زیستی و ذی‌نفعان باید موارد زیر را مدنظر قرار دهند:

الف) ضرورت شناخت مسئولیت صنعتی کشورهای توسعه یافته که دارای ظرفیت بهتر و بالاتر برای پیشگیری و مبارزه در جهت از بین بردن شبکه‌های سازمان یافته محیط زیستی هستند.

ب) شناخت مسئولیت کیفری و مدنی برای اشخاص حقوقی و حقیقی که ابزار مالی را برای مخفی نمودن فعالیت‌های جنایی محیط زیستی مورد استفاده قرار می‌دهند.

۴۲ راب وایت، جرایم علیه طبیعت جرم‌شناسی محیط‌زیست و عدالت زیست‌محیطی، ترجمه پیمان نمایان و سبحان طیبی، (تهران: مجد، چ ۱، ۱۳۹۴)، صص ۱۳۷-۱۹۵.

43. Lorraine Elliott, Fighting Transnational Environmental Crime, *Journal of International Affairs*, 2012, Vol. 66, No. 1, Transnational Organized Crime, Recoverable, <https://www.jstor.org/stable/24388253>, p. 208.

44. Daan P. Uhm., et al, The Convergence of Environmental Crime with Other Serious Crimes: Subtypes within the Environmental Crime Continuum, *European Journal of Criminology*, 2020, Recoverable. <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/1477370820904585#>, p. 98.

ج) توسعه رویکرد چندسازمانی برای پیشگیری و مبارزه با جرایم محیط زیستی.
 د) ایجاد مشارکت میان مجریان قانون و ذی‌نفعان و آگاهی از نقش‌ها و مسئولیت‌ها برای افزایش تبادل اطلاعات جهت تجزیه و تحلیل جرایم محیط زیستی.
 ه) تقویت ساختارهای قانونی در سطوح ملی به‌عنوان سازوکار پشتیبان ابزارهای حقوقی بین‌المللی.

۳.۲. گفتمان دیپلماسی و مهار جرایم محیط زیستی

از آنجا که حیات بشر در گرو حیات کره زمین است، اهمیت تصمیم‌سازی برای بقای محیط زیست صدچندان شده است. دولت‌ها از سال ۱۹۷۲ میلادی تصمیم گرفته‌اند تا نسبت به برخی تهدیدات محیط زیستی واکنش نشان دهند و به این سبب بنا شد برای تصمیم‌گیری گرد هم آیند و راجع به موضوعات قابل اعتنا به شور پردازند. خوشبختانه از آن سال تاکنون کنفرانس‌ها و نشست‌های متعددی در حوزه محیط زیست و حفاظت از آن برگزار گردیده و نتایج خوبی همچون اعلامیه‌ها، معاهدات، پروتکل‌ها و کنوانسیون‌ها حاصل شده است. در این راستا و با توجه به اینکه دیپلماسی محیط زیست در واقع درک ژئوپلیتیکی از مذاکرات بین‌المللی محیط زیستی است، پراهمیت بودن آن از این رو است که تمام فرایندهای تصمیم‌سازی‌های محیط زیستی در این قالب نمود پیدا می‌کند و به‌عنوان یک ابزار پیش‌برنده تلقی می‌گردد.^{۴۵} در این میان، دیپلماسی محیط زیست در طول فرایند و برآیند تصمیم‌سازی‌های محیط زیستی نقش بسزایی دارد و به‌نوعی زمینه هم‌گرایی و تعاملات در سطح بین‌المللی را مهیا می‌سازد. کاملاً طبیعی است که این نقش‌آفرینی تمام و کمال باشد، چراکه تهدیدات محیط زیستی روز به روز گسترده‌تر می‌شود و در پی آن، جرایم محیط زیستی رشد چشمگیری می‌یابد. به‌نظر می‌رسد در جریان نشست‌های بین‌المللی می‌توان زمینه تقویت ضمانت‌های کیفری را فراهم ساخت.^{۴۶}

45. Leila Nicolas & Elie Kallab, *Effective Forms of Environmental Diplomacy*, (Published by Routledge, 2021), p. 39.

46. Lawrence Susskind, & Saleem Ali, *Environmental Diplomacy Negotiating More Effective Global Agreements*, (New York, NY: Oxford University Press, 2015), p. 97.

ضمانت‌های کیفری به سبب وجود بسترهای معاهداتی- دیوانی ایجاد شده است که می‌توان چارچوب آن را در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مشاهده کرد. به نظر می‌رسد با وجود معاهدات بین‌المللی محیط زیستی متعدد و همچنین معاهدات قانون‌ساز، نظیر کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و یا کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲، بتوان ضمانت‌های اجرایی دقیقی را در پرتو پروتکل‌هایی تشریح و تشحیذ نمود. اجلاس کامپالا ۲۰۱۰ می‌توانست فرصتی مناسب برای نقش‌گزینی اکوساید و رویکرد کیفری زیست‌محیطی باشد که این مسئله به سرانجام نرسید.

در واقع، دیپلماسی معیوب و عدم توجه شرکت‌کنندگان در اجلاس بازنگری سبب گردید تا بازهم جرایم زیست‌محیطی در صف انتظار بماند. با لحاظ این مهم، شرایط موجود و رویکرد نظام بین‌الملل به مسئله جرایم زیست‌محیطی همچنان موقعیت ورود جرایم محیط زیستی را به لیست صلاحیت دیوان مفروض دانسته است. برای نمونه، می‌توان در حال حاضر موضوع تغییر اقلیم و حرکت به سوی کیفری جلوه دادن این مهم را مدنظر قرار داد. رودا ورهین^{۴۷}، وکیل و قاضی آلمانی، دادگاه جدیدی را برای رسیدگی به دعوای علیه کشورهای عمده آلوده‌کننده از طریق کربن پیشنهاد کرده است. در این راستا دادگاه‌های ویژه کیفری بین‌المللی با صلاحیت تکمیلی می‌تواند مورد استقبال واقع شود.

با این وصف، دیپلماسی محیط زیست در فرایندی می‌تواند ابزارهای کنترلی مؤثر را در راه مهار جرایم محیط زیستی از طریق سیاق معاهداتی فراهم سازد و از سوی دیگر در برآیند نیز می‌تواند در نقش یک دیده‌بان، رویه پیروی و اجرا را در جریان مقابله و مهار جرایم محیط زیستی قرار دهد.

۳. رهیافت‌ها و رویکردها

۳.۱. اصل پایداری و حفظ وضعیت

لازم است به‌جای اینکه با محدودیت‌های مرز قانونی- غیرقانونی در تنگنا قرار بگیریم، اهمیت تقدم پایداری اکولوژیکی و اضطراب مرتبط با آن را به‌صراحت اعلام کنیم که

ارزیابی‌های مربوط نبایستی بدون در نظر گرفتن جایگاه حقوقی و مشروع انجام پذیرد.

پرداختن به آسیب محیط زیستی، به تجدید مفهوم‌سازی حقوق جهت دربرگیری مفاهیم بسط‌یافته حقوق محیط زیستی و اجتماعی به‌خصوص پیرامون مفاهیم «صلاح عمومی و مشترک» و «مالکیت مشترک» منتهی خواهد شد. محور اصلی این تکلیف، بررسی مبنای حقوقی- اجتماعی مالکیت خصوصی و حقوق مرتبط با این مفهوم است. لذا حقوق اکولوژیکی را بایستی در پرتو جمع‌سپاری نهادینه ساخت.

واکنش به آسیب محیط زیستی، یعنی واکنش به اعمال آن نهادهایی که بخش عمده‌ای از ویرانی، آلودگی، انحطاط و انقراض را به‌وجود می‌آورند. جرم‌انگاری فعل و ترک فعل‌های خاص، یک گام به سوی بازداشتن از بدترین و بارزترین انواع این آسیب‌ها است. اما جرم‌انگاری مجرمان مرتکب جرم تکراری دائمی درمجموع امر دیگری است که به‌ویژه هنگامی که این مجرمان شرکت‌های فراملی باشند، توفیر می‌کند. این جرم‌انگاری یقیناً چالش‌هایی برای خواستاران حمایت از اصول و روش‌های عدالت محیط زیستی، اکولوژیکی و گونه‌ای ایجاد می‌کند.

۲.۳. جهان‌شمولی و جهان‌اندیشی

پرداختن به ماهیت بین‌المللی مسائل و مشکلات، امری حیاتی است و بایستی کاری را که در سطوح محلی، منطقه‌ای و کشوری انجام شده است، تکمیل نمود. لازم است حیطه عمل و بینش کارها گسترده‌تر شود تا نهادهای جهانی، فرایندهای اجتماعی و مجاری قدرت و مقاومت جهانی را نیز دربر گیرد.

از این رو، به‌عنوان یک روند فراگیر باید از چگونگی زوال و ناپدید شدن جرم و زورگویی در خصوص نظم محیط زیستی آگاه باشیم. این تقویت‌سازی‌ها به‌طور جمعی باعث انحطاط مشترکات اکولوژیکی جهان می‌شوند و همچنین به مسببان اصلی آسیب یعنی شرکت‌های فراملی اجازه می‌دهند حتی با آزادی عمل بیشتر بدون واهمه از مجازات یا احتمال تعقیب، به کار خود ادامه دهند. در نهایت، واکنش نشان دادن نسبت به آسیب محیط زیستی نیازمند بررسی و آزمایش حدود و مرزهای اجتماعی و سیاسی موجود است.

نتیجه

با عنایت به طرح موضوع مقابله با جرایم محیط زیستی در پرتو دیپلماسی محیط زیست، اهمیت صدچندان این زمینه پژوهشی روشن گردید. این مسئله را نباید از ذهن دور داشت که به همان میزان که برای بروز و ظهور معاهدات محیط زیستی تلاش می‌شود، جرایم محیط زیستی شاخ و برگ تازه گرفته، توسعه می‌یابند. طرز تلقی و نگاه جامعه بشری باید نسبت به حیات کره زمین تغییر کند و احترام ذاتی این کره مسکون حفظ شود تا با هم‌گرایی و تعاملات در سطح بین‌المللی بتوان بر این جرایم فائق آمد.

نقش نهادهای بین‌المللی نظیر اینترپل بسیار حائز اهمیت است و وجود ضمانت‌اجراهای مؤثر می‌تواند نقش این ساختارهای بین‌المللی را بی‌بدیل سازد. در فحوای بحث و به‌عنوان محوری‌ترین موضوع، گفتمان دیپلماسی محیط زیست مورد مذاقه قرار گرفت. این گفتمان در واقع یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایت و حفاظت از حیات زیستی و محیط زیست کره زمین است که دولت‌ها را مکلف به اجرای معاهدات می‌نماید. در واقع، این ابزار از یک سو، روند و فرایند شکل‌گیری و اجرای معاهدات را رصد می‌کند و از سوی دیگر، تعاملات بین‌المللی محیط زیستی را نظم و نسق می‌بخشد. قطع به یقین، این مسیر در نیل به سوی توسعه همه‌جانبه صلح‌سازی به‌پیش می‌رود و هدف غایی آن صلح پایدار است. در این راستا ضرورت دارد دولت‌ها، بهبود همکاری و مشارکت در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین فراگیری آگاهی از مشکل جرایم محیط زیستی و اذعان به مسئولیت مشترک را مدنظر قرار دهند.

رویکرد دوسویه معاهداتی (دیپلماسی) اساسنامه دیوان و اسناد بین‌المللی زیست‌محیطی، نشان از آن دارد که می‌توان رویکرد کیفرمآبانه مخاطرات زیست‌بوم را تقویت کرد. آثار مخرب زیست‌محیطی نیازمند این توجه است، چراکه صرفاً ماهیت حقوقی بدون کیفرانگاری نمی‌تواند راهگشا باشد.

به هر روی، با توجه به نارسایی‌های حقوق بین‌الملل کیفری کنونی، وفق اساسنامه رم برای حفاظت از محیط زیست، محاسن پرداختن به جرم جدید اکوساید آشکار است. طی

دهه‌های اخیر، نظام حقوق بین‌الملل کیفری معاصر به اندازه کافی قادر به حفاظت از محیط زیست نبوده است. درحالی که چارچوب ماده ۸ اساسنامه رُم الزامات سخت‌گیرانه‌ای را تعیین می‌کند که به‌دشواری می‌توان به آنها دست یافت، سایر مقررات مربوط به زمان جنگ و صلح اساسنامه رُم، یا حاوی عنصری است که برای ارتکاب جنایات زیست‌محیطی غیرواقعی به‌نظر می‌رسد و یا بیش‌ازحد انسان‌محور است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتاب‌ها

۱. طیبی، سبحان (۱۳۹۶). *دیپلماسی محیط زیست و تاثیر آن بر تعاملات بین‌المللی و صلح جهانی*. تهران: خرسندی.
۲. وایت، راب (۱۳۹۴). *جرایم علیه طبیعت جرم‌شناسی محیط‌زیست و عدالت زیست‌محیطی*. ترجمهٔ پیمان نامیان و سبحان طیبی. تهران: مجد.

- مقالات

۳. احمدی، اصغر؛ شاملو، باقر و خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۹۷). *جرایم علیه محیط زیست در حقوق کیفری ایران و آلمان. مطالعات بین‌المللی پلیس*. ۷(۳۲): ۶۳-۸۸.
۴. پورهاشمی، عباس؛ نامیان، پیمان و طیبی، سبحان (۱۳۹۴). *جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی؛ چالش‌ها، هنجارها و راهبردها. علوم تکنولوژی محیط زیست*، ۱۷(۱): ۱۶۷-۱۸۲.
۵. جام بزرگ، مریم؛ پورنوری، منصور؛ پورهاشمی، عباس و هرمیداس‌باوند، داوود (۱۳۹۸). *مؤلفه‌ها و چالش‌های تدوین شاخص‌های جرم زیست‌محیطی تحت عنوان جرم بین‌المللی. علوم تکنولوژی محیط زیست*، ۲۱(۴): ۲۵۷-۲۸۷.
Doi:10.22034/jest.2018.10833.1937
۶. جلالیان، عسگر (۱۳۹۹). *امکان‌سنجی توسعهٔ مفهوم جرایم بین‌المللی به جرایم محیط زیستی با تأکید بر اصل توسعهٔ پایدار. آموزش محیط زیست و توسعهٔ پایدار*، ۹(۲): ۱۳۳-۱۴۶.
Doi: 10.30473/ee.2021.7541
۷. جلالیان، عسگر؛ زارعی، مصطفی و افروغ، عبدالمحمد (۱۳۹۷). *چالش‌های حقوق کیفری بین‌المللی در مبارزه با جرایم زیست‌محیطی. مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۳۳(۹): ۹-۳۴.
۸. حیدرزاده، الهام و مظفری‌زاده، سجاد (۱۳۹۲). *پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی. اخلاق زیستی*، ۳(۷): ۱۶۳-۱۹۲.
Doi: 10.22037/bioeth.v3i7.13979

۹. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰). پیشگیری و سرکوب جرایم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمانهای غیردولتی در نظام حقوقی ایران. *حقوقی دادگستری*، ۷۵(۳). ۱۹۹-۲۲۵.
Doi: 10.22106/jlj.2011.11081
۱۰. ذاکر اردکانی، محمد و آرش‌پور، علیرضا (۱۴۰۰). بررسی اصل بنیادین بازدارندگی در حقوق بین‌الملل زیست‌محیطی. *علوم تکنولوژی محیط زیست*، ۱۲(۳۳). ۵۵-۶۳.
Doi: 10.30495/jest.2019.45943.4756
۱۱. صبوری‌پور، مهدی و احمدی، اصغر (۱۳۹۹). جرایم محیط زیستی ناشی از کووید-۱۹: جلوه‌ها و کاستی‌ها. *تحقیقات حقوقی*، ۳۳(۸۹). ۳۰۳-۳۲۸.
Doi: 10.22034/jlr.2020.184965.1614
۱۲. طیبی، سبحان و پورهاشمی، عباس (۱۳۹۶). مقابله با اکوتورریسم جهانی در پرتو دیپلماسی بین‌المللی محیط زیست. *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۳(۲). ۳۸-۵۳.
۱۳. طیبی، سجاد (۱۴۰۰). مسئولیت کیفری دولت‌ها در قبال جرایم محیط زیستی در پرتو همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. *تمدن حقوقی*، ۹(۴). ۲۵۹-۲۶۷.
Doi: 10.22034/lc.2022.135749
۱۴. کشکولیان، اسماعیل؛ شیخ‌الاسلامی، عباس و نقوی، مهدی (۱۳۹۸). جرایم زیست‌محیطی و راه‌کارهای پیشگیری از آن. *اخلاق زیستی*، ۹(۳۲). ۱۰۱-۱۱۰.
Doi: 10.22037/bioeth.v9i32.25549
۱۵. مک‌کالیون، کنت (۱۳۸۳). اجرای عدالت درباره محیط زیست بین‌المللی حقوق و راه‌حل‌ها. ترجمه محمدحسین زاهدین لباف. *حقوقی بین‌المللی*، ۳۱(۲). ۱۷۱-۱۸۵.
Doi: 10.22066/cilamag.2004.18004
۱۶. نصر اصفهانی، احمد؛ رئیسی، لیلا و آرش‌پور، علیرضا (۱۳۹۹). جرم‌انگاری بین‌المللی زیست بوم‌زدایی. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۷(۱۹). ۲۷۳-۳۰۴.
Doi: 10.30513/cld.2020.77.1006
۱۷. نامامیان، پیمان و طیبی، سبحان (۱۴۰۰). امکان‌سنجی صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی علیه حقوق نسل‌های آینده در اساسنامه رُم. *پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس*، ۲(۲). ۵۱-۷۳.
Doi: 10.22034/cr.2021.96229

۱۸. نژندی منش، هیبت‌الله؛ حسینی آزاد، سیدعلی و زحمتکش، مجید (۱۳۹۹). تأملی در امکان‌سنجی اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جرایم زیست‌محیطی. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۲(۲۲). ۲۴۳-۲۷۰.

ب) خارجی

- Books

19. Hamilton, Mark (2021). *Environmental Crime and Restorative Justice: Justice as Meaningful Involvement*. Palgrave Macmillan.
20. Kess, Janssen & Milous, Dunois (2014). *Global Pesticides Governance by Disclosure: Prior Informed and the Rotterdam Convention*. Authors' Version of Chapter 5, Forthcoming in: Marti Gupta and Michael Mason, ed, Transparency in Global Environmental Governance: Critical Perspectives. Cambridge, MA, MIT Press.
21. Lynch, Michael J. & Pires, Stephen F (2019). *Quantitative Studies in Green and Conservation Criminology: The Measurement of Environmental Harm and Crime*. Routledge Publication.
22. Nicolas, Leila & Kallab, Elie (2021). *Effective Forms of Environmental Diplomacy*. Published by Routledge.
23. Susskind, Lawrence & Ali, Saleem (2015). *Environmental Diplomacy Negotiating More Effective Global Agreements*. New York, NY: Oxford University Press.
24. White, Rob (2020). *Environmental Crime*. Elgar Publication.

- Articles

25. Elliott, Lorraine (2012). Fighting Transnational Environmental Crime. *Journal of International Affairs*, 66(1). 199-215.
26. Favarin, Serena & Aziani, Alberto (2020). The Global Waste Trafficking and Its Correlates. *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 36(3). 108-129. Doi: 10.1177/1043986220939701
27. Hamilton, Mark (2019). Restorative Justice Intervention in an Aboriginal Cultural Heritage Protection Context: Chief Executive,

Office of Environment and Heritage v Clarence Valley Council.
Environmental and Planning Law Journal, 36(3).
<https://www.researchgate.net/publication/292882356>

28. Falk, R.A. (1973). Environmental Warfare and Ecocide, Facts, Appraisal, and Proposals. 4 Bulletin of Peace Proposals, 80(4). 462-478.
29. Jodoin, S. (2010). Crimes Against Future Generations – A New Approach to Ending Impunity for Serious Violations of Economic, Social, and Cultural Rights and International Environmental Law, WFC & CISDL Legal Working Paper, Final Version, 15 August 2010.
30. Uhm, Daan P.; van, Nijman; Rick C.C (2020). The Convergence of Environmental Crime with Other Serious Crimes: Subtypes within the Environmental Crime Continuum. *European Journal of Criminology*. Doi:10.1177/1477370820904585